



۰۱/۰۵/۲۰۱۶

استاد محمد ظریف امین یار

داکتر غنی یا باید رادیکال شود یا هم تسلیم طالبان!

در ویکی پدیا بریتانیکا (Wikipedia Britannica) آمده است که واژه رادیکال (Radical) برای بار نخست از طرف چارلس جیمس فاکس یکی از اعضای ولسی جرگه بریتانیا سال ۱۷۹۷ در مورد اصلاحات بنیادی در نظام انتخابی آن کشور بکار برده شد. ساینسدان سیاسی مشهور فرانسوی بنام جان جاک روسو (۱۷۱۲-۷۸) (تئوریسین اصلی رادیکالیسم سیاسی (Political Radicalisms) در جهان نامیده میشود. در منابع دیگر گفته میشود که اصطلاح رادیکالیسم نخستین بار در بریتانیا در مورد مخالفان لایحه اصلاحات سال ۱۸۳۲ استفاده شد و بعد از آن جرمی بنتام و پیروان او را رادیکالهای فلسفی (Philosophical Radicals) خطاب کردند. اما نظریه اول در مورد استفاده نخست این واژه دقیق تر بنظر میخورد. واژه رادیکال از نظر لغوی از کلمه رادکس (Radix) به معنای اصل و ریشه (Root) گرفته شده است و در علوم اجتماعی به آن اندیشه هایی میگویند که خواهان اقدامات تند و سخت بنیادی را برای بهبود جامعه خواهند و رادیکالیسم (Radicalism) به معنای هواخواهی و طرفداری از اصلاحات عمیق و بنیادی در امور و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. قابل ذکر است که بعضاً به آیین کسانی که دارای افکار چپ گرای تند، یا راستگرای تند هستند به آنها نیز واژه رادیکال، رادیکالیسم یا رادیکالیسم سیاسی اطلاق میگردد.

همانطوریکه میدانید جنگ در افغانستان به یک معمای پیچیده تبدیل شده و حتی عوامل آن نیاز به بحثهای طولانی و دوامدار دارد اما آنچه برای موفقیت در جنگ برای حکومت وحدت ملی مهم است، بنظر میرسد تغییر در طرز تفکر حکومت در مورد دیدگاه و عملکرد با مخالفین کشور است. میدانم حکومت وحدت ملی از ناحیه استقلالیت سیاسی، وابستگی اقتصادی و ناکامی در امور می لنگد و قادر نشده است تا گره معضلات و چالشهای کلیدی افغانستان را تا کنون باز کند. اما بر اساس اصول سیاست وضعی معاصر سیاستمداران هر زمانی میتوانند بازی سیاسی را به نفع خود تمام کنند. یعنی باوجود این همه چالشها و نابسامانیها حکومت وحدت ملی میتواند بیلبانس بازی سیاسی را به نفع خود رقم بزند. برای این کار آنچه حیاتی پنداشته میشود اراده، درایت و مهارت سران حکومت وحدت ملی است.

مراجعه به تاریخ جنگ در جهان واضح میسازد که با سیاست تذروع، محافظه کار، متزلزل و دموکرات هیچگاه نمی توان برنده جنگ شد. وقتی منافع ملی مطرح میشود کشورها از ارزشهای دموکراتیک ناگزیر میگردند و جنگ را با طرز تفکر رادیکال بازی میکنند. حتی آمریکا که بزرگترین مدعی و حامی دموکراسی در جهان پنداشته میشود در اکثر موارد منافع ملی را بر ارزشهای دموکراتیک ترجیح میدهد. حمله بالای افغانستان، ایران و مداخلات در سوریه و لبنان و غیره همه حکایت این موضوع را میرساند. پس بر اساس سیاست وضعی معاصر منافع ملی مقدم تر از ارزشهای دموکراتیک و حتی انسانی است. مشکل حکومت وحدت ملی و رژیم قبلی کشور این بود که آنها همواره در تلاش حفظ ارزشهای دموکراتیک برای خوشنود ساختن کاخ سفید و غرب بودند اما بی خبر از آن که در این مبادله در نهایت مغلوب جنگ خواهند گردید که کاملاً به ضرر ملت فداکار و بزرگ افغانستان است.

با گذشت هر روز جنگ در افغانستان تشدید می یابد. در کنار علت‌های دیگر داخلی و خارجی یکی از علت‌های تشدید جنگ در کشور این است که حکومت افغانستان هیچگاه نتوانست یک ستراتیژی مدون برای مبارزه با مخالفین سیاسی تعریف و طرح نماید. متأسفانه سیاست‌های حکومت قبلی و فعلی افغانستان در ارتباط به موضوع جنگ همواره تکنیکی است نه ستراتیژیک. ارتش افغانستان که یکطرف از ناحیه تجهیز می لنگد از جانب دیگر از نبود یک ستراتیژی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

مشخص، روحیه جنگ و رهبری مسلکی و متعهد آسیب پذیر است. من که خودم بعنوان استاد در دبیرتمنت اداره و رهبری اکادمی ملی نظامی برای دوسال اشغال داشتم متوجه شدم که اکثر محصلین از بی توجهی حکومت در قبال نیروهای نظامی شاکی اند. از جانب دیگر یکی از بزرگترین چالش نزد حکومت‌های افغانستان مشروعیت بخشی جنگ در برابر مخالفین حکومت میباشد. متأسفانه حکومت قبلی و حکومت وحدت ملی بجز از چند کلیپ تلویزیونی مزخرف و بی مفهوم هیچ اقدامات و کاری مؤثر در این زمینه تاکنون عملی نکرده.

قرار گرفتن افراد که سابقه سیاه و حمایت از اداره استخباراتی پاکستان داشتند در ذات خود عنصر سرطانی و تهدید کننده برای حکومت و نیروهای نظامی افغانستان بود. همانطوریکه میدانید پاکستان طراح و مجری تولید و پرورش رهبران جهادی افغانستان بود و بخوبی تا حال توانسته از آنها برای رسیدن به منافع ملی خود استفاده کند. بیاد داشته باشید تا زمانی که آن‌عده عناصریکه تاریخ مشترک و رازهای مشترک با پاکستان دارند، در درون حکومت افغانستان موجود باشند هیچگاه حکومت افغانستان برنده جنگ نخواهد شد. اندک تعمق کنید افرادی که در دامن پاکستان تولید و تمویل شدند و به ظاهر شعار های خلاف پاکستانی میدهند آیا در حقیقت میتوانند از چنگال محکم آی اس آی (ISI) پاکستان بیرون شوند؟ آیا سرکشی با بادر های خود باعث فاش شدن رازهای اجنت بودن آنها خواهد شد؟ یکی از علت‌های که صلح در افغانستان تحقق نیافت به صراحت وجود اینگونه عناصر در رده های بلند حکومت‌های افغانستان است. همواره شاهد آن هستیم که چهره های ضد پاکستانی یا توسط رهبران ذکر شده اولاً بدنام و بعداً برکنار شدند و یا هم حکومت پاکستان آنها را از بین برد. به عباره دیگر تا زمانیکه در درون حکومت افغانستان افرادی در رده های سنتراتیویک وجود داشته باشند که از دسترخوان پاکستان یا هم ایران در گذشته و یا در حال حاضر تغذیه میشوند رسیدن به آرامی، امنیت و ثبات در افغانستان رویایی خواهد بود.

در این وضعیت مهم ترین چیزیکه داکتر غنی و رییس اجراییه داکتر عبدالله میتواند انجام دهند، این است که عملکردهای سیاسی خود را از دموکرات به رادیکال تغییر دهند. به خصوص در مورد نبرد با مخالفین برای تمام حکومت و موفقیت در جنگ کاملاً لازم و حیاتی است که تفکر رادیکال صریحاً عملی گردد. چون منافع ملی کشور ایجاب می نماید حکومت در این مورد نه دنبال دستورهای وضعی کاخ سفید و پاکستان باشد، نه فشارهای منطقی و نه هم پروسه صلح را جدی بگیرند. کاملاً واضح و با شجاعت با مخالفین جنگ را اعلام کنند و این یگانه راه مبارزه برای منافع ملی افغانستان در حال حاضر است. وقتی جنگ با طرز تفکر و شیوه رادیکال آغاز گردد مطمئن هستم صلح هم قابل تحقق خواهد شد. در حالی که حکومت ناکام باشد و حتی نتواند درگیری های درونی را مدیریت کند، مردم از حکومت بیزار و خبرهای سقوط حکومت داخل و خارج کشور را تسخیر کند، چگونه منطقی است که طالبان با این حکومت شکست خورده صلح کند؟ اگر فرض شود که طالبان در همین وضعیت آماده صلح شوند آیا شرایط دشوار آن را حکومت وحدت ملی میتواند برآورده سازد؟ اعتقاد دارم تا از یک موضع ثابت، مقتدر، مستقل و رادیکال با مخالفین برخورد نشود برنده شدن در جنگ همچنان شعار خواهد ماند. شما میدانند داکتر غنی چند ماه قبل زمانیکه کندوز توسط طالبان سقوط کرد، در سخنرانی شعاری خود ابراز کرد که در ظرف دو هفته طالبان نابود خواهند شد اما نتیجه آن وعده های میان خالی چه شد؟

مطمیناً در سیاست که ثبات فکری و ثابت قدمی موجود نباشد، تداوم و موفقیت آن نه تنها دشوار بلکه ناممکن می گردد. داکتر غنی بنظرم در حال حاضر یک راه بیرون رفت از این بحران را دارد و آن هم اعلام جنگ با مخالفین با طرز تفکر رادیکال است. هرچه لازم است باید برای رادیکالیزم جنگی به زودترین فرصت صورت گیرد. اگر لازم باشد قانون جزا تعدیل شود نباید دریغ شود و به زودترین فرصت طالبان مجرم و دیگر افراد ضد ملی را که زندانی اند به اشد مجازات برسانند، همچنان نیاز دارد تا عناصر ضد ملی و ستون پنجم که در داخل حکومت قرار گرفته اند، آنها را نیز بعنوان مفسدین و مخربین رژیم در کنار طالبان اعدام نمایند. کسی که دستش به فساد اداری آغشته شد، زیر

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

سایه قانون الهی مجازاتش کنید تا بداند دیگر مردم از این اعمال ناجایز و نامشروع شان به ستوه آمده. هر اسیری که در جنگ گرفتار شد محکمه صحرایی نمایید و خلاف مخالفین یک جنگ ملی زیر مدیریت وزارت دفاع راه اندازی نمایید. با این حرکات و شیوه ها میتوان منافع ملی افغانستان تامین گردد، حکومت در جنگ پیروز و تداوم حکومت وحدت ملی قطعی شود. در غیر آنصورت شعله جنگ آنقدر بزرگ و وسیع خواهد شد که سبب سقوط و بحران بزرگ در کشور خواهد گردید

در وضعیت وخیمی که افغانستان قرار دارد ما نیاز به یک رهبر قاطع و پراگماتیک داریم نه شعار باز. ما نیاز به رهبر رادیکال و متعهد به منافع کشور داریم نه متزلزل، وابسته و سست عنصر. برای نجات افغانستان و نجات ملت مظلوم و فداکار این سرزمین ما نیاز به یک رهبر کاملاً اتوکرات و رادیکال در امور جنگی داریم. ما نیاز به یک افغان واقعی داریم که بالای همه ارزشهای این سرزمین افتخار کند. نیاز به کسی داریم که حتی حاضر به معامله بر سر یک سانتی متر زمین مقدس این کشور و دیگر ارزشهای ملی نباشد. کسی باشد که با غرور برای منافع کشور حتی در مقابل بزرگترین قدرت جهان یعنی آمریکا استاده شود نه کسی که شانه هایش با دست یک وزیر خارجه کشور خارجی پر باشد و غروری ملی و تاریخ پنج هزار ساله مان را شرمگین سازد. در نهایت ما نیاز به یک تکان ملی و بوجود آوردن تغییرات بنیادی در طرز امور حکومتداری در افغانستان داریم.

در این وضعیت وقتی حکومت رادیکالیزم جنگی را اصل و شیوه خود قرار دهد کامیابی حتمی خواهد بود. من میدانم شاید رادیکالیزم در آینده به نفع کشور نباشد اما در حال حاضر یگانه راه حل عقلایی بنظر میخورد و میتواند کشور را از بحران حاضر بیرون بکشد و غرور ملی را نیزاعاده نماید. هراس دارم اگر حکومت وحدت ملی همچنان با حرکتهای زیکزآگ اتکا کند، کشور به یک بحران عمیق خواهد رفت. آن زمان نه آمریکا و نه هم حکومت افغانستان توان بیرون رفت از این بحران را خواهد داشت. خلاصه اینکه کشور برای بیرون رفت از بحران حاضر به اصلاحات بنیادی نیاز دارد. نه به شعر و شعار میشود و نه هم به التماس فقط به جنگ و شهادت میتوان از کشور دفاع کرد. یا باید در طرز تفکر حکومتداری تغییرات بنیادی پدید آید یا هم همچنان قربانی جنگ و درگیر جنگ خواهیم ماند.

استاد محمد ظریف امین یار

دبی

23 اپریل 1395

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ